



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پائیز ۹۵

تأثیر برجام بر همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران

نسا زاهدی^۱، سعید امینی^۲

چکیده

مباحث امنیتی به یکی از دغدغه‌های اصلی بازیگران در عرصه روابط بین‌الملل و در پیش‌گیری روابطشان با سایر بازیگرانی که احساس تهدید در مقابل آن می‌کنند تبدیل شده است. احساس امنیت یا عدم احساس امنیت باعث می‌شود تا دولت‌ها به سمت همکاری و اتحاد با سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیش بروند. اتحادیه اروپا به دلیل همجوار بودن با منطقه‌ی ناامن خاورمیانه، به شدت از بحران‌های به وجود آمده در این منطقه، مورد تهدید واقع می‌گردد. و این مسئله موجب گردیده تا کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا خود مستقیماً برای غلبه بر بحران وارد بشوند و یا اینکه با کشورهای قدرتمند منطقه همکاری‌های امنیتی خود را برای فائق آمدن بر این بحران‌ها توسعه بخشند. بعد از برجام، اعضای اتحادیه اروپا تمایل بیشتری به افزایش سطح همکاری‌های فی‌مابین در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و انرژی از خود نشان داده‌اند. و این می‌تواند مرحله‌ی تازه‌ای در روابط اتحادیه‌ی اروپا و ایران به حساب آید. پرسش اصلی مقاله چنین طرح خواهد شد، برجام چه تأثیری در حوزه‌ی همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران خواهد گذاشت؟ همچنین در این مقاله، مجموعه امنیتی منطقه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شده است. و فرضیه مقاله حاضر این است که: برجام باعث بهبود مناسبات امنیتی اتحادیه اروپا با ایران خواهد شد. همچنین روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی خواهد بود.

واژگان کلیدی: همکاری‌های امنیتی، منطقه خاورمیانه، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، برجام، روابط خارجی، سیاست خارجی، روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، انرژی

مقدمه

امنیت پدیده‌های است که به دغدغه‌ی اصلی کنشگران سیاسی برای هر واحد سیاسی تبدیل شده است. و این سبب شده تا دولت‌ها برای حفظ امنیت‌شان، به‌صورت انفرادی و یا در چارچوب یک تفاهم

۱- استادیار مطالعات منطقه‌ای دانشگاه مفید n_zahedi@ut.ac.ir

۲- کارشناس ارشد مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، SaeedAmini1568@gmail.com



امنیتی، اقداماتی را انجام می‌دهند. در واقع کنشگران سیاسی میتوانند موضوعی را امنیتی یا غیرامنیتی جلوه دهند، و این موضوع به چگونه تلقی کردن خطر از سوی این کنشگران بازمی‌گردد. از مهمترین پیامدهای فروپاشی نظام دوقطبی، اهمیت نقش مناطق در مباحث امنیتی است، تحولی که پیش از آن در ساختار متصلب دوران جنگ سرد امکان پذیر نبود. پیدایش زمینه‌های مختلف درگیری، مناقشه و جنگ از یکسو و شکل‌گیری روندهای جدید همکاری جویانه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای از سوی دیگر، وضعیت جدیدی را در فضای پس از جنگ سرد به نمایش گذاشت. (واعظی و داداش‌اندیش، ۱۳۹۰: ۷۴)

اتحادیه اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین اتحادیه سیاسی و اقتصادی در جهان امروز مطرح می‌باشد. این اتحادیه از قابلیت‌های صنعتی، اقتصادی و سیاسی مهمی بهره می‌برد. این اتحادیه در مقابل تهدیدات امنیتی متنوعی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی احساس خطر می‌کند و برای مقابله با این تهدیدات به همکاری با قدرت‌های عضو اتحادیه اروپا در کنار بسط و توسعه روابط امنیتی با سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای تمایل دارد.

جمهوری اسلامی ایران از قابلیت بالایی برای همکاری با اتحادیه اروپا در مقابله با تهدیدات امنیتی پیش‌رو برخوردار است. اما روابط اتحادیه اروپا و با ایران در سال‌های اخیر تحت تأثیر پرونده‌سازی اتمی علیه ایران بوده است که نتیجه مطلوبی در پی نداشته است. در واقع با پیروی این اتحادیه از تحریم‌های ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل متحد و در کنار آن اقدامات خصمانه‌ی این اتحادیه علیه جمهوری اسلامی ایران نتیجه‌ای جز، خصومت و تنش در روابط در پی نداشته است.

برجام حاصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی (ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) بوده است. این توافق، فصل نوینی در روابط اتحادیه اروپا با ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ گشود که توان تأثیرگذاری بر مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر دو طرف را افزایش می‌دهد. در صورتی که اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران حسن نیت نشان دهد، این توافق می‌تواند مثبت ارزیابی گردد در غیر این صورت نباید انتظار تغییرات جدی در مناسبات تهران و اعضای اتحادیه اروپا داشته باشیم.

مسائل امنیتی همیشه تحت شعاع توافقات میان کشورها و اتحادها و ائتلاف‌های امنیتی و سیاسی بوده است. اتحادیه اروپا نسبت به تحولات اخیر خاورمیانه، از آسیب‌های آن در امان نیست و پرتو تحولات اخیر منطقه، امنیت اتحادیه اروپا را مورد تهدید قرار داده است. جمهوری اسلامی ایران هم همانند این اتحادیه و یا بهتر است بگوییم این مجموعه امنیتی بزرگ، با منابع تهدیدکننده‌ی متنوعی در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه مواجه می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران هرگز از جانب همسایگان خود احساس امنیت نداشته و از رقابت‌های تسلیحاتی عظیم در منطقه و دخالت‌های مکرر همسایگان خود در امور داخلی ایران احساس ناامنی شدید می‌کرده است. در واقع ایران و اتحادیه اروپا از لحاظ تهدیدات امنیتی همچون تهدیدات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشتراکات مشابه‌ای دارند. بنابراین برجام می‌تواند به‌عنوان نقطه‌ی آغاز بهبود و توسعه در روابط میان هر دو طرف به شمار آید.

۱- تمهید نظری

نظریه‌ی مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای^۳ به‌عنوان چارچوب نظری این مقاله انتخاب شده است، زیرا در عصر جهانی شدن^۴ اهمیت مناطق بسیار بیشتر از گذشته شده است. در عصر حاضر دولت‌ها برای تأمین

3- Regional Security complex Theory

4- Globalization



امنیت خود به سمت همکاری با سایر دولت‌ها متمایل می‌شوند. در واقع دولت‌ها این اقدام را به صورت تشکیل یک مجموعه‌ی امنیتی میسر می‌سازند. اما برخی از مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای شکل گرفته به دلیل ضعف در توان دفاعی آن‌ها قادر به دفع تهدیدات احتمالی و تبدیل شدن به یک مجموعه‌ی امنیتی قدرتمند را ندارد و با وجود چنین شرایطی است که مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای به سمت تعامل و همکاری با مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای مجاور روی می‌آورند. و با ممکن است یک قدرت منطقه‌ای برای تأمین امنیت خود به سمت همکاری با مجموعه‌ی امنیتی دیگر روی آورد.

تعامل منطقه با مناطق همسایه، زمانی اتفاق می‌افتد که یک مجموعه فاقد قدرت جهانی است ولی همسایه یک قدرت جهانی است و می‌تواند در یک جهت اتصالات بین منطقه‌ای قوی برقرار کند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۲) از جمله وظایف مجموعه امنیتی، داوری درباره توانمندی کشورهای منطقه در زمینه وابستگی متقابل امنیتی است. منظور از وابستگی متقابل امنیتی آن است که تغییر و تحولات در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد. همچنین وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت (ایجابی) و یا منفی (سلبی) باشد. یعنی اندرون آن همکاری امنیتی یا منازعه امنیتی وجود داشته باشد و به بیان دیگر ناامنی در یک مجموعه موجب ناامنی در مجموعه‌های دیگر گردد (منفی) و یا از دید قدرت در یک واحد، تأثیر مثبت بر روی امنیت واحد دیگر داشته باشد (مثبت). معمولاً شدت وابستگی متقابل امنیتی در بین اعضای مجموعه در مقایسه با شدت این رابطه میان آنها و دول خارج از مجموعه بیشتر است. (داداش اندیش و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹)

به عقیده بوزان و ویور، «مجاورت جغرافیایی»^۵ دو یا چند کشور، سیاست امنیتی خاصی را الزامی می‌سازد. مناطق و کشورهایی که با هم مرز مشترک دارند و به واسطه پیوستگی مرزی، در زمینه امنیت اجتماعی، سیاسی، نظامی و زیست محیطی ملاحظات خاصی دارند. بوزان و ویور، فقط اقتصاد و مسائل اقتصادی را متأثر از مجاورت جغرافیایی نمی‌دانند و در خصوص بقیه وجوه امنیت ملی نقش خاصی را برای اصل مجاورت قائل‌اند. آن دو بدین ترتیب از اعتبار و موقعیت «مناطق استراتژیک» دفاع می‌کنند و معتقدند که فناوری هرگز نمی‌تواند اعتبار مناطق خاص را از بین ببرد. گفتمان غالب پس از انقلاب در امور نظامی و نیز دانایی محور شدن قدرت، این بوده که موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک مناطق، ویژه دوران جنگ سرد و رقابت مسلحانه ابرقدرت‌ها بود و امروزه که وابستگی متقابل جایگزین ناسیونالیسم و جنگ ایدئولوژی‌های شرق - غرب شده از آن مناطق اعتبار زدایی شده است. طراحان نظریه بافتار منطقه‌ای امنیت برعکس این گرایش، از اعتبار ماندگار مناطق دفاع کرده و اصل مجاورت را از اصول شاخص در مطالعه و سنجش موقعیت امنیتی کشورها می‌دانند. (نصری، ۱۳۸۴)

منطقه خاورمیانه بیشتر از هر چیز، یادآور بحران و منازعه است. چهار جنگ گسترده بین اعراب و اسرائیل، سه جنگ عظیم در خلیج فارس، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، جنگ‌های داخلی متمادی و متعدد، پیدایش و پدیداری جنبش‌های اسلامی مختلف و مخالف و بالاخره رشد چشمگیر بنیادگرایی اسلامی باعث شده‌اند تا منطقه خاورمیانه تداومی کننده خونریزی و درگیری باشد. به خاطر چنین پیشینه‌ای است که اغلب تئوری‌هایی که ثبات، صلح و امنیت را در خاورمیانه، مورد بررسی قرار داده‌اند، «منازعه محور» بوده‌اند تا «توسعه‌گرا». برای این محققین، حکومت در خاورمیانه، مقوله‌ای است لبریز از ناامنی، استیلا و دگرگونی. (نصری، ۱۳۸۲)

یکی از موانع مهم عدم کارکرد مناسب یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای در خاورمیانه این می‌باشد، که این منطقه فاقد یک قدرت بزرگ جهانی بومی است و آن دسته از کشورهایی که در منطقه از قدرت و تأثیرگذاری هم برخوردار هستند بیشتر در قطب بندی محلی به حساب می‌آیند. (قاسمی، ۱۳۸۹) علاوه بر



مشکل نبود یک قدرت سطح جهانی در منطقه که بومی خاورمیانه باشد، ما در خاورمیانه به‌وضوح شاهد عدم اعتماد میان کشورها هستیم. در صورتی که اگر بخواهیم یک مجموعه‌ی امنیتی کارکرد مناسبی داشته و بتواند دغدغه‌های امنیتی کشورها را برطرف سازد نیاز به بودن ایجاد اعتماد میان بازیگران است. واقعیت این است که امنیت خاورمیانه از طریق استفاده از نیروی نظامی تأمین نخواهد شد؛ چرا که شرایط کنونی منطقه با گذشته تفاوت قابل ملاحظه‌ای نموده است و صرف تقویت نیروهای نظامی نمی‌تواند ضامن امنیت کشورهای منطقه باشد. امروزه کشورهای منطقه باید علاوه بر قدرت نظامی از طریق افزایش امنیت در منطقه‌ی خاورمیانه، بتوانند امنیت خود را بر پایه‌ی اعتماد متقابل، گسترش منافع و همکاری مشترک تأمین نمایند. (بیلیس، ۱۳۷۹: ۵۷)

در مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای ما اقداماتی همچون ائتلاف میان عضوی از یک مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای با مجموعه‌ی امنیتی دیگر را به‌عین می‌بینیم. در تحلیل بوزان، همه‌گرایی‌های ائتلاف جویانه، ریشه منطقه‌ای دارند، یعنی قدرت‌های منطقه‌ای صرفاً از بیم همسایگان خود به هم‌گرایی و ائتلاف با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای روی می‌آورند. (نصری، ۱۳۹۰) در خاورمیانه ائتلاف با قدرت‌های بزرگ امری بدیهی است. و هر زمانی که کشورهای منطقه از جانب همسایگان خود و یا از یک بحران منطقه‌ای احساس ناامنی می‌کنند یک ائتلافی را با حمایت قدرت‌های بزرگ و یا یک ابرقدرت شکل می‌دهند.

نقطه اتصال چارچوب نظری با موضوع مقاله

خاورمیانه امروز، خاورمیانه‌ای است ناامن و پراکند. این منطقه با وجود ذخایر عظیم انرژی و مهم از نظر ژئواستراتژی، ژئواکونومی و ژئوپولیتیک، صحنه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. در خاورمیانه به دلیل وجود مسائل امنیتی متعدد، پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه‌ی روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای به تحلیل و بررسی هر کدام از آن‌ها پرداخته‌اند. و بر همین اساس یکی از تئوری‌هایی که این دسته از اندیشمندان و تحلیل‌گران برای تحلیل رخدادهای خاورمیانه از آن بهره می‌جویند، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشد.

درواقع ما اگر خاورمیانه را به‌عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای در نظر بگیریم، این امکان وجود دارد تا بحران‌های جاری در این مجموعه امنیتی به دیگر مجموعه‌های امنیتی تسری یابد. اتحادیه اروپا یکی از مجموعه‌های امنیتی مهم و تأثیرگذار در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود، و مهم‌تر آن که این مجموعه امنیتی قدرت‌های بزرگ جهانی را در خود جای داده است.

هرچند کشورهای مهم و تأثیرگذار اتحادیه اروپا عضو ناتو به شمار می‌آیند. اما اعضای این اتحادیه به دنبال کاهش وابستگی‌هایشان در حوزه‌های امنیتی - دفاعی به آمریکا می‌باشند. در واقع همراهی اتحادیه اروپا با تصمیمات و اقدامات نظامی آمریکا در بحران‌های به وجود آمده در غرب آسیا زیر چتر ناتو، در طول این مدت خواسته‌های امنیتی و دفاعی اتحادیه اروپا را در برابر تهدیدات احتمالی مناطق پیرامونی خود برآورده نکرده است. به همین دلیل این اوضاع باعث شده است تا اعضای اتحادیه اروپا به‌ویژه فرانسه و آلمان بعد از خروج بریتانیا از این اتحادیه طرحی را تحت عنوان ارتش اتحادیه و یا یک مرکز متمرکز نظامی در بروکسل ارائه دهند که این طرح بخشی از نشست‌های گسترده‌ای بود که در «برایتسلاوا» پایتخت اسلواکی و با موضوع نحوه مقابله با تردیدهای فزاینده عمومی درباره ارزش‌های اتحادیه اروپا مطرح گردید. (عباسی، ۱۳۹۵) چنین اقداماتی از سوی رهبران اتحادیه اروپا مبین خواست عمومی رهبران این اتحادیه برای استقلال بیشتر در حوزه‌های اقدامات دفاعی و امنیتی از ایالات متحده آمریکا و به‌طوری کلی ناتو می‌باشند. اما نباید نادیده گرفت که اعضای اتحادیه اروپا همچنان در حوزه‌های امنیتی به آمریکا وابسته هستند و به‌یک‌باره نمی‌توان مستقل از آمریکا رفتار کرد اما در سال‌های آتی می‌توان شاهد اقدامات



عملی کشورهای عضو برای کاهش وابستگی به آمریکا و ناتو بود. زیرا در حاشیه نشست «براتیسلاوا» فرانسوا اولاند» رئیس جمهوری فرانسه گفت: همه باید بدانند اگر آمریکا تصمیم بگیرد از همکاری نظامی عقب‌نشینی کند ما در اروپا باید بتوانیم از خود دفاع کنیم. (همان) بنابراین گسترش همکاری های دفاعی - امنیتی این اتحادیه با کشورهای نزدیک به خود مانند کشورهای موجود در غرب آسیا می‌تواند در این قالب مورد بررسی قرار گیرد.

اتحادیه ی اروپا به دلیل نزدیکی و همجوار بودن با خاورمیانه، از اتفاقات امنیتی و بحران‌های جاری در این منطقه تأثیر پذیر می‌باشد. و بر اساس نظریه‌ی مجموعه امنیتی منطقه‌ای، یک مجموعه‌ی امنیتی زمانی که در شرایط بحرانی قرار بگیرد ممکن است برای مهار آن بحران امنیتی به سمت همکاری با دیگر مجموعه‌های امنیتی روی آورد. به همین دلیل است که نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به‌عنوان چارچوب چوب نظری این مقاله انتخاب کرده‌ایم زیرا بر اساس این نظریه می‌توانیم به تحلیل موضوع این مقاله بپردازیم.

۲- تأملی در روابط امنیتی میان اتحادیه‌ی اروپا و ایران

روابط اتحادیه اروپا و ایران با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است. اتحادیه اروپا از زمان تأسیس خود به دلیل موضع یکجانبه و یا موضع جمعی اعضای این اتحادیه نتوانسته ارتباط سازنده و مثبتی که باید میان این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران وجود داشته باشد را به خود ببیند. در روابط فی‌مابین اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، حوادث تاریخی و تجربیات تاریخی، باعث شده است تا هر دو طرف برای توسعه همکاری‌های امنیتی و سیاسی محتاطانه عمل کنند. و حاکم بودن فضای تردید و سوءظن نسبت به یکدیگر مانع گسترش و تعمیق این همکاری‌ها گردیده است.

متغیرهایی همچون نفوذ و فشار ایالات متحده آمریکا و عدم هماهنگی در مواضع اعضای اتحادیه‌ی اروپا نسبت به ایران، و همچنین عدم ذهنیت مثبت ایران نسبت به بعضی از کشورهای قدرتمند اتحادیه اروپا که سابقه استعمارگری، اشغال و مداخله در امور داخلی ایران را در برهه‌های تاریخی و زمانی مختلف در عملکردشان نسبت به ایران را دارند، یک مانع مهم در پیگیری این همکاری‌ها به شمار می‌آیند.

نقطه برجسته توسعه همکاری‌های امنیتی و سیاسی اتحادیه اروپا با ایران به دوران ریاست جمهوری حجت‌الاسلام و المسلمین آقای خاتمی بازمی‌گردد، که در آن دوران به‌واسطه‌ی سیاست خارجی تعاملی دولت وقت با اتحادیه اروپا، توسعه همکاری‌های سیاسی، سایر حوزه‌های اقتصادی و امنیتی را تحت تأثیر خود قرار داده بود. اما این روند با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و نامیده شدن و قرار گرفتن نام ایران به‌عنوان محور شرارت از سوی بوش پسر و همچنین اتحادیه اروپا تحت تأثیر فشارهای آمریکا و تقدم رابطه با آمریکا نسبت به رابطه با ایران، در روابطشان با جمهوری اسلامی ایران از سیاست‌های آمریکا پیروی می‌کردند.

علاوه بر مطالب فوق، باید ذکر کرد که موضوعاتی مانند مناقشه‌ی اتمی ایران، مطرح ساختن نقض حقوق بشر در ایران از سوی اتحادیه اروپا، متهم کردن ایران به حمایت از تروریست، باعث شده است تا در طول سال‌های گذشته روابط اتحادیه اروپا با ایران دستخوش اختلاف و تنش گردد.

۳- اولویت‌های امنیتی اتحادیه اروپا

الف) مقابله با تروریسم

علی‌رغم وجود اختلاف‌نظر در خصوص ارائه تعریف واحدی از تروریسم و ورود واژگان جدیدی نظیر تروریسم دولتی و یا تروریسم هسته‌ای در ادبیات مرتبط با موضوع، بایستی گفت که وجود این وضعیت باعث نگردیده تا کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از انجام اقدامات پیشگیرانه و یا تقابلی



در خصوص این مسئله سرباز زندند. (آیرم، ۱۳۸۸: ۵۷۴)

قبل از وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر علیه آمریکا ابتکارات متعددی در رابطه با مبارزه با تروریسم در درون مجموعه کشورهای اتحادیه اروپا مطرح و در جریان بود. نقطه آغازین این همکاری‌ها به توافقات به عمل آمده در اجلاس سران در تامپر^۶ در اکتبر سال ۱۹۹۹ بازمی‌گردد. در این اجلاس بود که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به صورت رسمی در رابطه با افزایش همکاری قضایی به منظور مبارزه با جرم و جنایات از جمله تروریسم توافق نمودند. تأکید بر این توافق در واقع نتیجه تجربه‌ای بود که کشورهای عضو در گذر و تحمل سال‌های سختی از ناحیه گروه‌های تروریستی داخلی از قبیل ETA^۷ و IRA^۸ به دست آورده بودند. (آیرم، ۱۳۸۸: ۵۷۸)

ب) امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری

امنیت اقتصادی از اولویت‌های مهم دول اتحادیه اروپا می‌باشد. حفظ و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی ارتباط تنگاتنگی در راستای اهداف امنیت اقتصادی اعضای این اتحادیه دارد. امروزه اتحادیه اروپا نماد همکاری‌های اقتصادی و بهره‌مندی از قوانین مدون اقتصادی حاکم میان اعضای این اتحادیه می‌باشد. امنیت اقتصادی و توسعه در سرمایه‌گذاری‌های خارجی، موضوعی است که بر سایر ابعاد امنیتی این اتحادیه تأثیر گذار می‌باشد. و به همین دلیل حفظ رونق اقتصادی برای رهبران سیاسی اتحادیه اروپا امری مهم به حساب می‌آید.

این اتحادیه با ۲۸ کشور عضو (که با خروج احتمالی بریتانیا از این اتحادیه تعداد اعضای آن به ۲۷ عضو تقلیل می‌یابد)، یک چهارم ثروت و درآمد و بیش از یک پنجم تجارت جهانی را در اختیار دارد و اعطای بیش از نیمی از کمک‌های توسعه‌ی جهانی را عهده‌دار می‌باشد. تبدیل یورو به دومین ارز مهم ذخیره و تجارت جهانی، به افزایش نفوذ بین‌المللی اتحادیه مدد رسانده است. اتحادیه پس از نفتا در آمریکای شمالی بزرگ‌ترین قطب تجاری جهان می‌باشد و ۳۰ درصد از مبادلات تجاری بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۹)

اتحادیه در سیاست‌گذاری نهادهای اقتصادی، مالی و تجاری مهم بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی نقش خاصی بر عهده دارد. اقتصاد عرصه قدرت‌نمایی اروپا محسوب می‌شود. اتحادیه اروپا در غیاب قدرت ژئوپلیتیک، تجارت و اقتصاد را به محور و مدار اصلی قدرت‌نمایی خود در عرصه نظام بین‌الملل تبدیل ساخته است. در حال حاضر، مزیت نسبی اتحادیه در بهره‌گیری از ابزارهای مدنی مانند تجارت، کمک خارجی و دیپلماسی، مبتنی بر منطق اقتصادی قرار دارد. ابزارهای سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این زمینه از دیپلماسی اقتصادی (کمک اقتصادی و تحریم اقتصادی) تا انجام عملیات نظامی صلح‌سازانه نوسان دارد. اتحادیه اروپا قدرت مؤثر در تجارت بوده و به قدرت جهانی خود از رهگذر ارائه مدل اروپایی همگرایی منطقه‌ای می‌اندیشد. (واعظی، ۱۳۸۷: ۲۹-۳۰)

بنابراین با استناد به این توضیحات می‌توان ادعا کرد امنیت اقتصادی در برنامه‌ریزی‌های امنیتی کشورهای عضو اتحادیه از امنیت بالایی برخوردار می‌باشد و جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های کلان این اتحادیه دارد. و رشد و شکوفایی همکاری‌ها اقتصادی فی‌مابین ایران و اتحادیه اروپا در دوره‌ی بعد از برجام می‌تواند همکاری‌های امنیتی را در حوزه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد و تسهیل‌کننده‌ی آن باشد.

6-Tampere

7-Euskadita Askatasuna یک سازمان مسلح اسپانیایی که در فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا قرار دارد.

8-Irish Republican Army ارتش جمهوری‌خواه ایرلند.

ج) تأمین امنیت انرژی اتحادیه

مسئله تأمین امنیت انرژی سال‌هاست به دغدغه‌ی اصلی کشورهای قدرتمند تبدیل شده است. اتحادیه اروپا برای غلبه بر این مشکل اساسی امنیتی و وابستگی روزافزون بر واردات انرژی اقدامات گسترده‌ای به عمل آورده است. طیف گسترده‌ی این اقدامات از صرفه‌جویی در مصرف انرژی، یافتن منابع جایگزین نفت و گاز، یافتن تأمین‌کنندگان نفت و گاز جایگزین، سازوکارهای سیاسی و حقوقی تا تدابیر نظامی و امنیتی را در برمی‌گیرد. (امینیان، ۱۳۹۲: ۹۷)

در طول سال‌های گذشته، اتحادیه اروپا کوشیده است تا با تدوین یک استراتژی امنیتی انرژی جامع بر آسیب‌پذیری خود غلبه کند و اجازه‌ی تکرار تجارب تلخی همانند بحران نفتی ۱۹۷۳ و قطع گاز روسیه در ۲۰۰۹ را ندهد. در طول سال‌های گذشته اتحادیه اروپا طرح‌ها و پروژه‌های بلندپروازانه‌ی بسیاری را دنبال مشارکت کرده است که نمونه‌ای از آن‌ها عبارتند از: خط لوله باکو - جیهان، خط لوله جریان شمالی، خط لوله ناپاکو، خط آگری (متشکل از آذربایجان، گرجستان و رومانی)، خط لوله ساوت استریم^۱ و خط لوله ترانس خزر. که البته به باور اغلب تحلیلگران، بسیاری از آن‌ها قابلیت اجرایی ندارد و یا اینکه ظرفیت حل قطعی این مشکل امنیتی را دارا نمی‌باشد. (امینیان، همان: ۹۷-۹۸)

در سال‌های اخیر موضوع تشکیل اتحادیه انرژی در نزد رهبران اتحادیه اروپا اهمیت بسیاری یافته است. در واقع ارزش اتحادیه انرژی می‌تواند آغازگر گردهم آوردن جنبه‌های متفاوت سیاست‌های اتحادیه انرژی زیر یک چتر باشد. پنج بعدی که اتحادیه انرژی مدنظر قرار داده است عبارتند از: ۱) تضمین امنیت عرضه ۲) تکمیل بازار انرژی داخلی ۳) کاهش تقاضای انرژی اروپا ۴) کرین‌زدایی از ترکیبات انرژی و ۵) ترویج تحقیق و نوآوری در حوزه انرژی (Hedberg, ۲۰۱۵) با بیان توضیحات مطرح شده امنیت انرژی برای اتحادیه اروپا اهمیت حیاتی دارد و می‌توان گفت که قدرت، جایگاه و نفوذ این اتحادیه در عرصه نظام بین‌الملل تأثیرپذیر از مباحث انرژی می‌باشد.

۴- برجام و افق روشن همکاری‌های میان اتحادیه اروپا و ایران

بحران اتمی ایران سالیان طولانی، باعث تشدید تنش در روابط ایران با اتحادیه اروپا شده است. اتحادیه اروپا به تبعیت از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا از اقدامات خصمانه برای مقابله با حقوق هسته‌ای ایران متضرر شده است. این اتحادیه با اعمال تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، مانع بزرگی را در فرایند سرمایه‌گذاری در بازار داخلی ایران و مرادوات اقتصادی، سیاسی و امنیتی با ایران ایجاد کرده است. برنامه جامع اقدام مشترک و به‌اختصار برجام، توافقی حاصل شده بر سر موضوع پرونده‌سازی علیه برنامه اتمی ایران می‌باشد که گروه موسوم به پنج به‌علاوه یک (۵+۱) با انجام مذاکرات طولانی با ایران آن را به ثمر رساندند. در واقع با آغاز ریاست جمهوری حجت‌الاسلام و المسلمین حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ این مذاکرات به‌طور جدی پیگیری شد و با تمایل دو طرف به سرانجام رسید.

برجام بستر مناسبی را برای همکاری‌های بیشتر و دوطرفه میان اعضای اتحادیه اروپا و ایران فراهم ساخت. در واقع با تشدید بحران در خاورمیانه و احتمال تسری این بحران در تمام ابعاد آن به اتحادیه اروپا، انگیزه اعضای این اتحادیه به‌ویژه قدرت‌های بزرگ واقع در این مجموعه بزرگ امنیتی منطقه‌ای را برای افزایش همکاری‌های امنیتی با ایران را افزایش داده است. بنا بر دیدگاه‌های متفکرانی چون بوزان و سایر نظریه‌پردازان حوزه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، در صورت وجود بحران‌ها و تهدیدهای مشترک بازیگران واقع در دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای متفاوت، به سمت همکاری‌های مشترک برای مهار بحران روی می‌آورند. باینسان این مطالب هدف بر این است تا در ادامه مقاله همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا با ایران را در ابعاد مختلف آن، در دوران پس‌برجام مورد واکاوی و تحلیل قرار دهیم.





۴-۱. بعد اجتماعی

امنیت اجتماعی یکی از ابعاد پنج‌گانه مدنظر بوزان و سایر اندیشمندان حوزه‌ی نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. امنیت اجتماعی یکی از مهم‌ترین پنج بعد امنیتی مدنظر می‌باشد و جدا کردن امنیت اجتماعی از بخش‌های سیاسی کاری دشوار خواهد بود. تهدیدات اجتماعی عمدتاً در مورد هویت و تعادل و یا عدم وجود این دو می‌باشد، که ممکن است در درون هر دولت یافت شود. امنیت اجتماعی عمیقاً با امنیت سیاسی و حتی امنیت نظامی مرتبط است. و اغلب نزاع‌هایی که امروزه شایع هستند، هرکدام از آن‌ها از یک عامل اجتماعی نشأت می‌گیرند. از این‌رو زمانی که مطالعات امنیتی را در سطح کلان مورد مطالعه قرار می‌دهیم این بخش مهم به حساب می‌آید. (Stone, ۲۰۰۹: ۵)

از دید بوزان تهدیداتی که امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد، زمانی روی می‌دهد که جامعه‌ی ما به این استنتاج دست یابد که در یک شرایط خاص هویت آنها (یعنی «ما») مورد تعرض و خطر واقع شده است. (میرزایی، عبداللہی و کمریگی، ۱۳۹۰: ۸۸) تعریفی که ویور از امنیت اجتماعی به دست می‌دهد همسو با تعریف بوزان می‌باشد. ویور امنیت اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

«امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است. این نوع امنیت بر قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت ملی و رسوم متکی است. و امنیت اجتماعی مربوط به وضعیتی است که جوامع تهدیدی نسبت به مقوله‌های هویت خود احساس می‌کنند.» (همان، ۱۳۹۰: ۸۹)

نکته برجسته‌ای که در مطالب فوق قابل تأمل است و بحث اصلی ما را در این قسمت پوشش خواهد داد، بحث هویت است. در واقع هویت ارکان اجتماعی یک جامعه را شکل می‌دهد. جوامع به دنبال حفظ هویت واحد خود هستند و در مواجهه با تهدیدات بیرونی از هویت خود دفاع می‌کنند. هویت آن‌ها تعاریفی است که از ملیت، مذهب، زبان و فرهنگ خود دارند.

اتحادیه اروپا با شامل شدن ۲۷ کشور امروزه بزرگ‌ترین مجموعه امنیتی به شمار می‌رود. این اتحادیه به واسطه‌ی گرد هم آوردن شمار کثیری از کشورها، شاهد اهمیت یافتن بحث هویت در میان این کشورها می‌باشیم. اهداف مشترک، منافع مشترک، تهدیدات مشترک و اروپایی بودن از جمله متغیرهایی می‌باشند، که نوعی احساس تعلق را در میان اعضای این اتحادیه به وجود می‌آورد، تا در مواجهه با تهدیدات بیرونی از جانب هویت‌های مختلف با هم متحد شوند تا به مقابله با آن بپردازند.

تحولات اخیر غرب آسیا، شرایطی را در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم کرده است که مجموعه‌های امنیتی مجاور را با چالشی جدی روبرو ساخته است و با تداوم چنین وضعیتی، مجموعه‌های امنیتی مجاور نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. در واقع مجموعه امنیتی اتحادیه اروپا، با قرارگیری در مجاورت خاورمیانه از تحولات اخیر منطقه در امنیت کامل نمی‌باشد. و بنابراین این اتحادیه برای مهار آسیب‌های اجتماعی احتمالی ناشی از تحولات منطقه به سمت همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای روی آورده است.

ایران با موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص خود، برای اتحادیه اروپا حائز اهمیت می‌باشد. همان‌طور که در مطالب فوق مطرح گردیده است، وجود تحریم‌ها علیه ایران و پیروی کردن اتحادیه اروپا از سیاست‌های آمریکا باعث شده است تا اتحادیه اروپا قادر نباشد تا همکاری‌های امنیتی سطح بالایی با ایران داشته باشد. اما با توافق اتمی اخیر تحت عنوان برجام، فرصت مهمی را برای همکاری‌های امنیتی میان اتحادیه اروپا و ایران فراهم ساخته است.

امنیت اجتماعی و مباحث پیرامون آن برای ایران و اتحادیه اروپا غیرقابل اغماض می‌باشند. تحولات اخیر خاورمیانه و بحران به وجود آمده از قبال آن، باعث شده است تا امنیت ملی اعضای اتحادیه اروپا در بعد اجتماعی با تهدیدات بالقوه روبرو گردد. علاوه بر آن تهدیدات مشابه‌ای برای امنیت ملی ایران وجود



دارد. و بنابراین برجام را می‌توانیم آغازگر فصل نوینی در همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران در بعد اجتماعی بدانیم.

مهاجرت و تروریسم، از مهم‌ترین تهدیداتی به شمار می‌روند که قابلیت تأثیرگذاری بر امنیت اجتماعی اتحادیه اروپا را در سطح بالایی دارند. همچنین جمهوری اسلامی ایران، تجربه تلخی از حوادث تروریستی در سالیان گذشته تجربه کرده است و به‌گونه‌ای می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران خود قربانی تروریست می‌باشد. و علاوه بر این، مهاجرت پدیده‌ای است که جمهوری اسلامی ایران هم با آن مواجه می‌باشد. بنابراین پدیده مهاجرت و تروریسم و تشدید آن، به‌عنوان تهدیدات مشترک میان اروپا و جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند که می‌توانند همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا را در حوزه‌های امنیتی افزایش دهند. در ادامه مباحث مهاجرتی و تروریستی به عنوان دو معضل اصلی اجتماعی در اتحادیه اروپا مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۴-۲. مهاجرت

عامل دیگری که می‌تواند امنیت اجتماعی را تهدید کند پدیده ی مهاجرت می‌باشد. مهاجرت پدیده‌های است که می‌توان با دید مثبت و منفی به آن بنگریم. جنبه ی مثبت آن شامل مهاجرت مبتکران، دانشمندان، صاحبان سرمایه می‌باشد که اکثراً مقصد اینگونه مهاجران کشورهای توسعه یافته است و کشورهای در حال توسعه اغلب نمی‌توانند پذیرای اینگونه مهاجران باشند. اما نگاه منفی هم به پدیده ی مهاجرت وجود دارد، درواقع آن دسته از مردمانی که برای داشتن یک زندگی راحت و فرار از محدودیت‌ها، فقر، تهدیدات و پیدا کردن شغل مناسب به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند، مشکلاتی را برای کشور میزبان به وجود می‌آورند مشکلاتی از قبیل فرهنگی، اقتصادی و در سطح کلان منجر به ناامنی اجتماعی می‌گردد. تعداد قابل توجهی از مهاجران فاقد تحصیلات، سرمایه و تخصص لازم می‌باشند که هزینه‌های سنگینی را بر دولت و جامعه تحمیل می‌کنند. هرچند در بعضی از این کشورها این مهاجران می‌توانند به‌عنوان نیروی کار مناسب برای این کشورها محسوب شوند که کارهای سطح پائین و سخت را با حداقل دستمزدها انجام می‌دهند اما باید توجه داشته باشیم که در اتحادیه اروپا به دلیل افزایش انتقادات شدید اجتماعی نسبت به حضور بیش از حد مهاجران و همچنین رشد احساسات ملی‌گرایانه به‌ویژه در کشورهای دچار بحران اقتصادی باعث خواهد شد تا دولت‌های عضو اتحادیه با معضل امنیتی در قالب اعتراضات مدنی مواجه شوند.

امروزه دولت‌های کشورهای توسعه یافته قوانین سختی را برای قبول مهاجرین وضع کرده اند که باعث شده است راه ورود قانونی مهاجران دشوار شود و به سمت مهاجرت از طرق ناامن و غیرقانونی روی بیاورند. و در اکثر کشورها، مهاجرینی وجود دارند که حضور آنها ثبت‌نشده است و همین باعث شده است تا جرایم اجتماعی رشد یابد و فرصت‌های اقتصادی را برای شهروندان کشورها به بار آورند مثل به کارگرفتن اینگونه مهاجرین با دستمزد کمتر به‌جای شهروندان کشور میزبان.

مهاجرت به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی دارای پیامدها و بازتاب‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و سیاسی و امنیتی می‌باشد. یکی از مباحث مهم در بحث مهاجرت، ارتباط آن با امنیت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی و غیره می‌باشد. به عبارت دقیق‌تر مهاجرت‌های بین‌المللی به‌خصوص مهاجرت‌های غیرقانونی دارای بازتاب‌ها و پیامدهای مختلف سیاسی-امنیتی اند. از بین رفتن یکپارچگی ملی و برهم خوردن ترکیب قومی-مذهبی کشور میزبان، جاسوسی و فعالیت‌های ضد امنیتی، افزایش شورش‌ها و نزاع‌ها میان مهاجرین با جمعیت بومی کشور مقصد، اجبار مهاجرین غیرقانونی به فعالیت در باندهای تبهکار و مافیایی و مانند آنها، بخشی از مهمترین پیامدهای



سیاسی - امنیتی مهاجرت‌ها، به‌خصوص مهاجرت‌های غیرقانونی در عرصه‌ی بین‌المللی هستند. (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۸)

اروپا به دلیل امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بالای خود، جذابیت بالایی برای مهاجران دارد و به همین دلیل به مهم‌ترین مقصد مردمان خاورمیانه برای مهاجرت تبدیل شده است. اکثر مهاجران خاورمیانه در سال‌های اخیر به دلیل فرار از جنگ، و اثرات تخریب‌پذیر آن از کشور خود گریخته‌اند و اتحادیه اروپا را به‌عنوان مکانی امن برای سکونت و دور ماندن از بحران‌ها انتخاب کرده‌اند. اکثر این مهاجران فاقد هرگونه سرمایه، دانش تجربه و فرهنگ مناسب اتحادیه اروپا هستند. همچنین اکثر این مهاجران زبان و فرهنگ و قوانین کشور میزبان را نمی‌دانند و به همین دلیل باعث شده تا معضلات اجتماعی فراوانی برای اعضای اتحادیه اروپا به وجود آورند. همچنین اشغال فرصت‌های شغلی توسط مهاجرین، اشتغال این مهاجران به شغل‌های کاذب و یا جذب این مهاجران در باندهای تبهکاری و آشنا نبودن آن‌ها به قوانین حقوقی کشورهای عضو که منجر به نقض قوانین کشورهای اتحادیه از سوی مهاجران می‌شود.

مهاجرانی که با هدف یافتن مکان جدید راهی این اتحادیه می‌شوند، غالباً مسلمان می‌باشند؛ امروزه با تشدید اسلام‌هراسی در جوامع اروپا و ذهنیت منفی مردمان ساکن اتحادیه اروپا نسبت به مسلمانان باعث می‌شود تا کمپین‌هایی برای مقابله با مسلمانان مهاجر شکل بگیرد و برای اخراج آن‌ها از کشور خود از اقداماتی همچون فشار بر دولت‌ها، فشار بر وکلای سیاسی خود، تظاهرات و درنهایت برخورد خشونت‌آمیز با مهاجران صرف‌نظر نکنند. که این وضعیت از یک‌طرف برای مهاجران مشکل‌ساز خواهد بود و از طرف دیگر هم مشکلات امنیتی برای دولت و حاکمیت کشورهای عضو اتحادیه در پی خواهد داشت. در واقع عدم پذیرش مهاجران از سوی شهروندان بومی کشورهای عضو اتحادیه باعث تشدید حس سرخوردگی در میان مهاجرین می‌گردد و این شرایط باعث خواهد شد تا مهاجرین به سمت اقدامات خشونت‌آمیز مانند عضویت در گروهک‌های تروریستی و سایر اقدامات خصومت‌آمیز با مخالفین روی آورند.

مسئله دیگر در مورد امنیت اجتماعی، بحث هویت است. در واقع تصور دولت‌ها و گروه‌های مردمی و سایر مردمان بومی کشورهای اتحادیه چنین است، که این مهاجران تهدیدی جدی برای هویت اروپا می‌باشند. هویتی اروپایی که اشتراکات فرهنگی بسیاری با هم دارند مانند اشتراکات مذهبی. در واقع مخالفان حضور مهاجرین در اتحادیه اروپا از این بیم دارند که هویت ملی، هویت فرهنگی و مذهبی شهروندان کشورهای اتحادیه اروپا از سوی این مهاجران به‌وسیله تبلیغ و جذب اعضای جدید با خطر روبرو شود.

جمهوری اسلامی ایران، همانند اتحادیه اروپا با چالش مهاجران غیرقانونی سالیان سال است که روبرو می‌باشد. این مهاجران مشکلات اقتصادی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده‌اند و باعث شده است تا رهبران سیاسی ایران برای مهار این بحران هزینه‌های بسیاری را متقبل شوند. همچنین با تشدید بحران‌های اخیر منطقه، آمار مهاجرت به ایران افزایش یافته است. اکثر این مهاجران از عراق می‌باشند. و جمهوری اسلامی خواهان مهاجرت این‌گونه مهاجران به ایران نبوده است. در واقع با توافق اخیر اتمی این احتمال وجود دارد تا فضای مناسب برای بهبود همکاری‌های امنیتی میان ایران و اتحادیه اروپا برای مقابله با مسئله مهاجرت و بحران‌های اجتماعی ناشی از آن و همچنین همکاری در حوزه‌ی تحولات منطقه خاورمیانه فراهم شود.

اتحادیه اروپا به دنبال جلوگیری از گسترش دامنه بحران‌های اجتماعی می‌باشد بنابراین به جمهوری اسلامی ایران به دید یک کشوری که می‌تواند از توانمندی‌های نظامی، و اجتماعی خود به‌ویژه در حوزه‌های فرهنگی و مذهبی برای مهار بحران‌های به وجود آمده در خاورمیانه استفاده کند، می‌نگرد. به‌عنوان مثال



یکی از اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران در این راستا می‌تواند انجام دهد این می‌باشد که به مذاکره با گروه‌های شیعه در عراق و سوریه و یا رهبران سنی میانه‌رو در این کشورها بپردازد. تا برای برون رفت از بحران کنونی به نتیجه مطلوب دست یابد. در واقع اتحادیه اروپا و ایران هر دو نیاز شدیدی به همکاری امنیتی با یکدیگر در حوزه‌ی مهاجرتی احساس می‌کنند. در واقع همانند اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی ایران هم در منطقه‌ای واقع شده است که هم از جانب کشورهای شرقی خود مانند افغانستان و پاکستان و هم از جانب مرزهای غربی خود مانند عراق با چالش ورود مهاجران روبرو می‌باشد. که مقصد این مهاجران پس از تحمل خطرات و تهدیدات فراوان غالباً اتحادیه اروپا می‌باشد. پس فائق آمدن بر این مشکل نیازمند جدیت تمام پیگیری همکاری‌های امنیتی میان ایران و اتحادیه اروپا در دوره پس‌اجرام می‌باشد.

۳-۴. تروریسم

تروریسم واژه‌ای است که هر موقع نام آن مطرح می‌گردد، رعب و وحشت عمومی و القای حس ناامنی بین‌المللی را همراه خود دارد. تروریسم پدیده‌ای است که تمامی دولت‌ها برای مقابله با آن تصمیمات جدی‌ای را اتخاذ کرده‌اند. برای ریشه‌کن کردن آن اتفاق نظر دارند. اما نظرات دولت‌ها در تروریستی خواندن یا نخواندن یک گروه یا سازمان با هم متفاوت است و زمانی که این اختلاف نظر مطرح می‌گردد، نمی‌توان کار چندانی برای نابودی گروه‌های تروریستی انجام داد. مثلاً در خاورمیانه کشورهایی مانند عربستان و ترکیه به طوری پنهانی یا آشکار از گروه تروریستی دولت اسلامی یا داعش حمایت کرده‌اند و اقدامات جدی‌ای را برای نابودی آن انجام نداده‌اند. و به همین دلیل است که امروزه داعش به معضل امنیتی کشورهایی همچون ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا تبدیل شده است.

ایران خود قربانی تروریسم می‌باشد و بارها این اتفاق را تجربه کرده است و امروزه هم با تهدیدات تروریستی روبرو می‌باشد. کشورهای عربی منطقه به دلیل نداشتن اتحاد در مبارزه با تروریسم باعث تشدید بحران شده‌اند و دامنه آن به فراتر از مرزهای خاورمیانه تسری یافته است. به‌عنوان مثال در مورد عدم همکاری کشورهای منطقه برای مهار بحران تروریسم می‌توان ترکیه را مثال زد. ترکیه به‌عنوان یک دولت عایق در مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای مطرح می‌باشد و علاوه بر آن یک بازیگر مهم در منطقه به شمار می‌رود. ترکیه برای کمک به حل بحران و مهار تروریسم در منطقه برای کشورهای اروپایی پیش‌شرط تعیین کرده و نگاه ابزاری به این بحران‌ها دارد. در واقع ترکیه به دنبال این است تا برای مقابله با بحران‌های موجود با اتحادیه اروپا معامله کند. یعنی اعضای اتحادیه اروپا روند پیوستن این کشور را به این اتحادیه تسهیل کنند در مقابل ترکیه ورود مهاجران که اغلب تروریست‌ها در میان آن‌ها هستند را کنترل خواهد کرد. که می‌توان گفت که ترکیه با استفاده از این شرایط به دنبال تحقق آرزوی دیرینه خود یعنی پیوستن به اتحادیه اروپا می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق، رفتارهای کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمند مانند ایالات متحده باعث شده تا تحولات منطقه وارد دورانی پر از تنش و خطر آفرین شود که این احتمال وجود دارد تا دامنه آن به سایر مجموعه‌های امنیتی دیگر تسری یابد. تروریسم باعث شده است تا حوادث ناگواری مانند، حملات تروریستی نوامبر ۲۰۱۵ پاریس رخ دهد. در واقع وقوع چنین حادثه‌ای، اعضای اتحادیه اروپا را مجبور کرد تا تدابیر امنیتی شدیدی را در سطح اتحادیه دنبال کنند. اغلب این کشورها کنترل شدیدی را برای ورود مهاجرین از خاورمیانه به این اتحادیه اعمال کردند زیرا در میان مهاجرانی که عازم اتحادیه اروپا می‌باشند افراد وابسته به گروه‌های تروریستی هستند که برای انجام تبلیغ و جذب نیرو و یا برای انجام عملیات انتحاری وارد اتحادیه اروپا می‌شوند. و همچنین حوادث تروریستی نوامبر ۲۰۱۵ پاریس باعث شده است تا کشورهای قدرتمند این اتحادیه مانند فرانسه، برای مبارزه با داعش، مجبور به مداخله



نظامی گردد.

اتحادیه اروپا و ایران، تهدیدات مشترکی را از جانب تروریسم احساس می‌کنند. و بنابراین احتمال آن که اتحادیه اروپا همکاری‌هایش را با ایران در حوزه مبارزه با تروریسم، کمک به ایجاد صلح و آرامش در عراق و سوریه توسعه بخشد بسیار زیاد می‌باشد. در اینجا باید به این واقعیت اشاره داشت که از نگاه ایران و اتحادیه اروپایی تروریسم و مصادیق آن در مورد شناسایی گروه‌های تروریستی با هم متفاوت است مانند موضوع مبارزه با داعش و گروه‌های تکفیری دیگر بنابراین ایجاد زمینه همکاری بسیار دشوار اما شدنی است.

انگیزه مشترک باعث توسعه و تعمیق روابط خواهد شد. در واقع یکی از چند انگیزه مشترک، همین مبارزه با تروریسم می‌باشد. در واقع برای ارتقای سطوح همکاری‌ها در مبارزه با گروه‌های تروریستی باید ایران و اتحادیه اروپا به دنبال بازتعریفی از نحوه ی چگونگی مقابله یا رفتار با نا امنی‌ها در سوریه و عراق مبادرت بورزند. همچنین اتحادیه اروپا باید مدنظر داشته باشد که دخالت مستقیم در تضعیف ساختار سیاسی کشورهای دستخوش بحران در منطقه، عکس العمل ایران را به دنبال خواهد داشت. در واقع جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از ستون‌های ایجاد امنیت در منطقه به شمار می‌رود و برای آنکه اتحادیه اروپا شاهد امنیت در مناطق همجوار خود باشد، باید منافع ایران را هم مدنظر داشته باشد نه اینکه با نادیده گرفتن آنها به موضع گیری و اقدام جدی علیه تهران دست بزند. یکی دیگر از راه‌هایی که می‌توان انتظار داشت تا ایران و اتحادیه اروپا به فهم مشترک در نوع مبارزه با تروریسم برسند علاوه بر مدنظر قرار دادن منافع یکدیگر از طرف هر دو بازیگر باید مذاکرات پیوسته در این زمینه مداومت داشته باشد. همچنین اتحادیه اروپا برای تسهیل همکاری با ایران در این حوزه باید توانایی اتخاذ تصمیمات سیاسی و دیپلماتیک به دور از فشارهای ایالات متحده را داشته باشد.

۴-۴. امنیت سیاسی

تفکیک امنیت سیاسی امری پیچیده‌ی است. گستره امنیت سیاسی از امنیت یک نظام سیاسی، حاکمیت، دولت تا جوهی از مسائل سیاسی در یک جامعه گسترده خواهد بود. تهدید سیاسی زمینه‌ساز سایر تهدیدها خواهد بود. پس تهدید سیاسی به معنی تهدید کل سازمان‌های دولتی است. باری بوزان امنیت سیاسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «ثبات سازمانی دولت‌ها، سیستم‌های حکومتی و ایدئولوژی‌هایی است که به آنها مشروعیت می‌بخشد». در تهدید سیاسی نظام سیاسی، ثبات سیاسی و ارزش‌های حاکم در نظام سیاسی مستقر، مورد تهدید قرار می‌گیرد. بنابراین، تهدید سیاسی یکی از مهم‌ترین تهدیدهای امنیت ملی است که سایر حوزه‌ها را هم تحت پوشش قرار خواهد داد. همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، امروزه تهدید نظامی و مداخله نظامی کشوری در کشور دیگر بعید به نظر می‌رسد، اما مداخلات سیاسی به صورت گسترده شایع بوده و صورت می‌گیرد (فهمی، ۱۳۸۲).

جمهوری اسلامی ایران از جانب همسایگان خود و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای، با مداخلات سیاسی در امور داخلی ایران مواجه می‌باشد. و بنابراین جمهوری اسلامی در روابط خود با همسایگان و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای موضوع امنیت سیاسی و تأکید بر عدم مداخله در امور داخلی ایران را مدنظر قرار داده است. اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته در امور سیاسی ایران مداخلات بسیاری انجام داده است و برای تضعیف جایگاه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران از گروه‌ها معاند نظام و از ایدئولوژی‌های متضاد با ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده است.

با توافق اخیر اتمی میان ایران با قدرت‌های جهانی می‌توان انتظار داشت که اتحادیه اروپا برای پیگیری روابط بهتر با جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی، رفتارهای پیشین خود را



در حوزه‌ی مداخله در امور داخلی ایران و حمایت از سازمان‌ها و گروه‌های مخالف نظام حاکم ایران تغییر دهد و تا حدودی از این مداخلات بکاهد. زیرا اتحادیه اروپا برای برخورداری از روابط امنیتی مثبت با ایران در حوزه‌های اجتماعی نیازمند پایبندی بر تضمین امنیت سیاسی ایران می‌باشد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود اتحادیه اروپا برای بهره‌مندی از مزایای حاصله از توافق اتمی با ایران بر رفتارهای پیشین خود در حوزه مسائل سیاسی و داخلی ایران بکاهد.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل دخالت‌های کشورهای همسایه خود، به‌وسیله توافق اتمی با یک مجموعه‌ی امنیتی قدرتمند و وسیع‌تر می‌تواند قدرت سیاسی خود را در مقابل همسایگان خود بهبود ببخشد البته ایران باید بکوشد هم‌زمان با بهبود مناسباتش با اروپا با همسایگان خودش نیز به‌صورت دوجانبه مشکلاتش را حل و فصل کند و در مقابل اتحادیه اروپا می‌تواند از دستاوردهای این توافق برای ارتقای امنیت سیاسی اعضای اتحادیه استفاده کند. زیرا این اتحادیه در کنار حفظ روابط با سایر کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، قطر و ترکیه با توسعه و بسط همکاری‌ها با ایران می‌تواند، اثرات منفی ناشی از بحران‌های اخیر خاورمیانه را کنترل کند و تا حد امکان تأثیرات این بحران‌ها را بر امنیت سیاسی اتحادیه کاهش دهد.

امروزه در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا گروه‌ها و جریان‌های مخالف اتحادیه شکل گرفته است و خواسته‌ی آنها خروج کشورشان از اتحادیه می‌باشد. که خروج بریتانیا از این اتحادیه به دنبال برگزاری همه‌پرسی در این کشور نمونه‌ای برجسته از آن می‌باشد. خروج تدریجی این کشورها از اتحادیه، تأثیر مخربی بر قدرت اتحادیه و ساختارهای سیاسی و اقتصادی آن خواهد داشت. بنابراین در دوران پسابرجام ضمن پایبندی اتحادیه اروپا بر امنیت سیاسی ایران، این مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای می‌تواند با همکاری جمهوری اسلامی ایران، اثرات منفی بحران‌های اخیر خاورمیانه بر اتحادیه اروپا را تا حدی مهار سازد. و این مهم به‌شدت تحت تأثیر مبارزه با گروه‌های تروریستی و کاهش موج مهاجرت به اروپا می‌باشد. زیرا امروزه اعتراضاتی که به سیاست‌های دولت‌های اتحادیه اروپا صورت می‌گیرد به دلیل حضور مهاجران غیرقانونی در این کشورهاست. که امنیت سیاسی این اتحادیه را با چالشی جدی مواجه ساخته است.

نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به حاکم بودن فضای آنارشیک در سطح بین‌المللی، همکاری‌های منطقه‌ای در قالب مجموعه امنیتی منطقه‌ای جلوه بیشتری نسبت به گذشته پیدا می‌کند. مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای با دسته‌بندی ابعادی امنیت ملی به پنج بعد امنیتی، تأثیرات هر کدام از این ابعاد امنیتی را بر روی امنیت ملی کشورها مهم می‌شمارد. و اگر نیاز باشد بازیگران برای تأمین امنیت ملی خود به سمت همکاری با مجموعه‌های امنیتی مجاور روی خواهند آورد. یعنی تهدیدات مشترک و بالقوه می‌تواند منجر به شکل همکاری‌های مشترک میان مجموعه‌های امنیتی مختلف گردد.

برجام یک توافق مهم در تاریخ مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا به حساب می‌آید که قابلیت تأثیرگذاری در بخش‌های مختلف روابط ایران با این اتحادیه را دارا می‌باشد. در صورت عملی شدن موارد برجام و پایبندی اعضای آن به این توافق، می‌توانیم شاهد تحول در سیر روابط اتحادیه اروپا با ایران باشیم.

جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در طول سال‌های گذشته یعنی قبل از به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته‌ای میان ایران و +۱، روابط اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا به پایین‌ترین میزان خود رسیده بود. اما برجام باعث شد تا ایران بتواند در حوزه‌های نفتی و گازی تولیدات خود را افزایش دهد و صادرات خود را نسبت به سال‌های گذشته بهبود بخشد. همچنین برجام باعث خواهد شد تا



سرمایه‌گذاری‌های کشورهای عضو اتحادیه در ایران تسهیل یابد زیرا شرایط نقل و انتقال اعتبارات بین‌المللی بانکی آسانتر خواهد شد و به دنبال آن شرکت‌های بین‌المللی و خارجی می‌توانند در بخش‌های مهم و مختلف اقتصادی، صنعتی، علمی و تحقیقاتی جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری کنند. همچنین ایران به دلیل نیازی که به سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش‌های مختلف اقتصادی، علمی و تحقیقاتی‌اش دارد، برجام این امکان را به جمهوری اسلامی ایران می‌دهد تا با برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدون به جذب سرمایه‌گذارهای کشورهای اتحادیه اروپا بپردازد تا بتواند به مرور زمان جان تازه‌ای به تولیدات صنعتی، علمی و تحقیقاتی، صنعت بیمه، کشتیرانی، هواپیمایی کشور بدهد و با تأثیرپذیری از بهبود وضعیت اقتصادی و صنعتی کشور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که وضعیت نامطلوب اشتغال افراد جویای کار سامان یابد. همچنین یکی دیگر از مزایای برجام برای ایران رفع تحریم سوئیت برای بانک‌های داخلی می‌باشد. که به وسیله‌ی آن بانک‌های داخلی می‌توانند با سایر مؤسسات اعتباری بین‌المللی تبادل مالی داشته باشند که در تثبیت نرخ ارز و بازار سرمایه تأثیرگذار می‌باشد. اما ایران برای آنکه بتواند از مزایای برجام بهره‌مند شود متضمن این می‌باشد که دولت باید اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را جلب نماید و این کار در صورتی عملی خواهد شد که ایران بتواند فسادهای داخلی را در بخش‌های اقتصادی کاهش دهد و بخش‌های صنعتی، اقتصادی و علمی خصوصی را در مقابل بخش‌های دولتی تقویت سازد. و در نهایت اقتصادی شفاف و رقابتی سالم را برای کشور به ارمغان آورد.

همچنین برجام در حوزه امنیتی مانند انرژی، اجتماعی و سیاسی دستاوردهای مثبتی در بر خواهد داشت. در واقع اتحادیه اروپا نیاز شدیدی به انرژی دارد مانند تأمین امنیت واردات گاز طبیعی و نفت. اتحادیه اروپا به دلیل مشکلاتی که با روسیه دارد، واردات گاز از این کشور را با تنش و مشکل روبرو خواهد ساخت. چون روسیه از انرژی گاز طبیعی خود به‌عنوان ابزاری مهم و تأثیرگذار در تعاملاتش با اتحادیه اروپا و همچنین فشار بر آن استفاده می‌کند. بنابراین اتحادیه اروپا به دنبال متنوع ساختن منابع جایگزین واردات انرژی می‌باشد. و به همین دلیل ایران به‌عنوان کشوری مهم و دارای منابع عظیم نفت و گاز می‌تواند در تأمین انرژی اتحادیه اروپا نقشی مهم بازی کند.

تهدیدات متنوع اجتماعی مانند افزایش مهاجرت به اتحادیه اروپا و ایران، رشد و تقویت گروه‌های تروریستی از عواملی هستند که امنیت اجتماعی ایران و اتحادیه اروپا را مورد تهدید قرار داده است. با توافق اخیر هسته‌ای می‌توانیم امیدوار باشیم همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا در حوزه‌های امنیت اجتماعی ارتقا یابد و دو بازیگر مهم منطقه‌ای و جهانی همکاری‌های خودشان را برای مقابله با گروه‌های تروریستی و همچنین حل و فصل بحران‌های عراق و سوریه افزایش دهند. زیرا افزایش بحران‌های اجتماعی بر روی امنیت سیاسی بازیگران هم تأثیرگذار خواهد بود. در واقع برای عملی شدن اهداف آنها باید دو کشور درک درستی از منافع ملی و امنیت یکدیگر داشته باشند و به دنبال تحمیل خواسته‌هایشان به یکدیگر نباشند. به‌ویژه اینکه اتحادیه اروپا در طول سال‌های گذشته با پیروی از سیاست‌های آمریکا به دنبال تهدید، تحمیل و همچنین منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران برآمده است. همچنین ایران در کنار افزایش همکاریها با اتحادیه اروپا در حوزه‌های امنیت اجتماعی باید به دنبال کاهش تنش و رفع مشکلاتش به‌گونه‌ای دوجانبه با همسایگانش اقدام کند.

ایران و اتحادیه هر دو تهدیدات مشترک فراوانی را در حوزه‌های مختلف را دارا می‌باشند. توافق برجام و کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها و حسن نیت اتحادیه اروپا در اجرای صحیح این توافق، باعث می‌شود تا این امکان فراهم شود تا این دو بازیگر مهم منطقه‌ای و جهانی برای حذف تهدیدات مشترک به سمت همکاری با یکدیگر روی بیاورند. بنابراین انتظار می‌رود تا مسائلی همچون اقتصاد، انرژی مهاجرت و هویت به فرصتی تبدیل شود در راستای ارتقای سطح همکاری‌های میان دو بازیگر مهم منطقه‌ای و



جهانی اما عکس آن اگر جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا نتوانند از آنها در راستای تنظیم و بهبود سطح همکاری هایشان استفاده کنند مسائل اشاره شده می توانند در مدت زمان کوتاهی به تهدیدی جدی در روابط ایران و اتحادیه اروپایی بدل گردند و به تهدید جدی برای امنیت اقتصادی و اجتماعی ایران و اتحادیه به حساب آیند. و این دو بازیگران برای کاهش اثرات تهدیدات و مهار آن‌ها به سمت همکاری امنیتی و توسعه آن روی آورند. بنابراین برجام فرصتی مهم به حساب می‌آید البته تا زمانی که این اتحادیه بدون هرگونه نگرش خاص سیاسی اعم از مداخله در امور داخلی ایران، حمایت از گروه‌های مخالف و معاند جمهوری اسلامی ایران و همراه نشدن با اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران به این توافق پایند باشد.

منابع و مآخذ:

- امینیان، بهادر (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک انرژی: اتحادیه اروپا و امنیت انرژی، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۹۷، (۲)، ۹۷
آی‌رم، منصور (۱۳۸۸)، آشنایی با واحد اقدام ضد تروریسم سازمان امنیت و همکاری اروپا، گزارش منتشر شده در فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳ (۲)
بوزان، باری و ویور، ال (۱۳۸۸)، مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی
بیلیس، جان (۱۳۷۹)، امنیت بین‌الملل در عصر پس از جنگ سرد، ترجمه حسن مجدی نجم، تهران: انتشارات سپاه پاسداران
داداش‌اندیش، پروین و کوزه‌گر کالجی، ولی (۱۳۸۹)، بررسی انتقادی نظریه مجموعه‌ی امنیتی منطقه‌ای با استفاده از محیط امنیتی منطقه‌ی قفقاز جنوبی، فصلنامه‌ی راهبرد، ۱۹ (۵۶)، ص ۵۹۱
زرقانی، هادی و موسوی، زهرا (۱۳۹۲)، «مهاجرت بین‌المللی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۶ (۵۹)، ۸
عباسی، بهجت (۱۳۹۵)، اروپا در تلاش برای کاهش وابستگی به آمریکا در مسائل امنیتی، بازیابی شده از: <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۲۳۴۴۱۸>، (دسترسی در: ۱۸/۷/۱۳۹۵)
فهیمی، عبدالرحمن (۱۳۹۲)، نگرش بر لایه‌های جدید امنیت ملی، مقاله‌ای ارائه شده به روزنامه افغانستان، بازیابی شده از: www.dailyafghanistan.com/opinion_detail.php?post_id=۱۲۹۴۸۲، (دسترسی در: ۲۰/۴/۱۳۹۵)
قاسمی، فرهاد (۱۳۸۹)، مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه‌ی موردی خاورمیانه، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۶ (۱۸)، ص ۷۰
میرزایی، محمد و عبداللهی، زهرا و کمربگی، خلیل (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)»، فصلنامه مطالعات اجتماعی، شماره ۲۸، ص ۸۸
نصری، قدیر (۱۳۸۴)، تأملی روش‌شناختی بر مکتب بافتار منطقه‌ای امنیت، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ۸ (۲۹)، ص ۷۹
نصری، قدیر (۱۳۸۲)، رهیافت‌های امنیت پژوهی در خاورمیانه، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، ۶ (۲۰)، ص ۴۵۵
نصری، قدیر (۱۳۹۰)، تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های باری بوزان در بررسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۴ (۵۴)، ص ۱۱۶
واعظی، محمود (۱۳۸۷)، اتحادیه اروپا از قانون اساس واحد تا معاهده لیسبون، پژوهشنامه اتحادیه اروپا و



سیاست بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۶
واعظی، محمود و داداش‌اندیش، پروین (۱۳۹۰)، ضرورت شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای در قفقاز:
رهبافتی نو»، فصلنامه‌ی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۴، ص ۱۷۰

منابع لاتین

Hedberg, Annika(2015), Europe's energy security – is the Energy Union the answer?,
Available at: www.epc.eu/pub_details.php?cat_id=4&pub_id=5256, (accessed on:
2016/06/11)

Stone, Marianne(2009), Security According to Buzzan: A Comprehensive Security
Analysis, springer science, Volume 1, Number 9, P5

Archive of SID